

آیا خاستگاه چهارشنبه‌سوری از آتش‌گذشتن یا کشته شدن سیاوش است؟

سجاد آیدنلو^(۱)

به نام خداوند جان و خرد

حداقل از دوره صفویه به این سو شواهد صریحی داریم که ایرانیان در شب آخرین چهارشنبه هر سال مراسم / جشنی به نام چهارشنبه‌سوری برگزار می‌کردند / می‌کنند که از کهن‌ترین و معروف‌ترین آیینهای آن فروختن آتش و پریدن از روی شعله‌هاست. از حدود چند سال پیش در نوشته‌های بعضی پایگاههای اینترنتی و در یکی دو سال اخیر در مطالب شبکه‌های تلگرامی جشن چهارشنبه‌سوری و سنت پریدن از آتش در این شب با داستان سیاوش در شاهنامه پیوند یافته و این نظر طرح، تکرار و ترویج شده است / می‌شود که سیاوش برای ردّ تهمت نامادریش سودابه و اثبات پاکدامنی خویش در روزی که مقارن با سه‌شنبه پایان سال بود به سلامت از آتش گذشت و به مناسبت این سرافرازی تا شب جمعه به مدت سه روز برای او جشن گرفتند. از آن پس ایرانیان برای حفظ این خاطره در آخرین سه‌شنبه هر سال (چهارشنبه‌سوری) آتش می‌افروزند و مانند سیاوش از آن می‌گذرند / می‌پرنند.

نظریه ارتباط چهارشنبه‌سوری با سیاوش ویژه یادداشتها و نوشته‌های پراکنده اینترنتی یا تلگرامی در چند سال گذشته نیست و تا جایی که نگارنده بررسی کرده است ظاهراً نخستین بار آقای کاوه علی‌محمدی از پیروان دیدگاههای مرحوم استاد ذبیح‌بهر روز در سال ۱۳۷۳ این موضوع را در کتابی مطرح کرده‌اند. ایشان معتقدند که

(۱) دانشیار دانشگاه پیام نور اورمیّه

۳۱۲

بخارا
سال بیست و دوم
شماره ۱۲۹
بهمن - اسفند
۱۳۹۷

سیاوش در پایان سال ۱۰۱۳ پیش از میلاد در روزی که مطابق چهارشنبه بوده کشته شده است و بعدها زرتشتیان به دلیل روا نبودن سوگواری برای مردگان در آیینهای آنها، برای نگه‌داشتن یاد سیاوش و پاکی و قداست او در شب واپسین چهارشنبه هر سال آتش روشن کرده و از آن پریده‌اند و این رسم تا امروز باقی مانده است.^(۱)

چند سال پس از آقای علی‌محمدی، محقق دیگری در کتابی پنداشتی را پیش کشیده‌اند که امروز به سبب تأثیرگذاری رسانه‌های مجازی در میان عموم دستداران شاهنامه و آیینهای ایرانی تداول یافته است یعنی همان موضوع عبور سیاوش در چهارشنبه آخر سال از آتش و به وجود آمدن سنت آتش‌افروزی و پریدن از آن برای یادآوری و تکرار نمادین این کار او.^(۲) جالب و عجیب اینکه رابطه چهارشنبه‌سوری با گذشتن سیاوش از آتش یا کشته شدن او هنوز در بعضی مقالات علمی و دانشگاهی جدید بازنوشته می‌شود^(۳) و با اینکه اواخر سال پیش (۱۳۹۶) دکتر ابوالفضل خطیبی در یادداشت کوتاهی در فضای مجازی (از جمله کانال باشگاه شاهنامه‌پژوهان) به نقد و رد این انگاره پرداختند لازم است بار دیگر در گفتاری مستقل نادرستی این دیدگاه و دلایل آن را بررسی کنیم تا گستره و نفوذ شبکه‌های مجازی بیش از این موجب تثبیت تصویری غلط و غیرعلمی درباره پیوند یکی از سنن نوروزی ایرانیان با شاهنامه و شخصیت‌های آن نشود.

پیش از آغاز بحث حتماً باید یادآوری کرد که در شاهنامه و دیگر مآخذ کهن فارسی و عربی برخی جشنها و آیینهای ایرانی با شخصیت‌های حماسی - اساطیری ارتباط دارد مانند جشن سده و هوشنگ، نوروز و جمشید و مهرگان و فریدون ولی درباره چهارشنبه‌سوری و سیاوش هیچ اشاره‌ای در منابع قدیمی نیست و چنان‌که گفتیم این موضوع از مفروضات سه دهه اخیر است. تا آنجا که نگارنده جستجو کرده است و اطلاع دارد تنها متنی که در آن روز و ماه گذشتن سیاوش از آتش تعیین و میان این ماجرا با یکی از جشنهای ایرانی پیوند ایجاد شده، روایت نقلی این داستان در طومار مرحوم مرشد زیریری اصفهانی است که نوشته سیاوش شب دوشنبه غره آذر ماه غسل کرد و جامه سپید پوشید و آماده آزمون کاووس شد و فردای آن روز (سه‌شنبه)

(۱) ر.ک: علیمحمدی، کاوه؛ گاه‌شماری و تاریخ‌گذاری از آغاز تا سرانجام، تهران، بردار، ۱۳۷۳، ص ۴۲.
(۲) ر.ک: محمدی، حسین؛ جشن‌های ایران باستان، تهران، جهاد دانشگاهی تربیت معلم، ۱۳۸۰، ص ۶۱.

(۳) برای نمونه، ر.ک: حیدرپور، آزاده؛ «نمادپردازی در اسطوره سیاوش»، نقد ادبی با رویکرد اسطوره‌شناسی (مجموعه مقالات پنجمین همایش ملی نقد ادبی)، به کوشش دکتر ابوالقاسم اسماعیل‌پور، تهران، نشر خاموش با همکاری دانشگاه شهید بهشتی و انجمن علمی نقد ادبی ایران، ۱۳۹۷، ص ۳۴۸.



• دکتر سجاد آیدنلو (عکس از: امید علمداری)

از آتش گذشت و «پارسیان همه ساله آن روز را که روز دوشنبه غرّه آذرماه بود جشن می گرفتند».^(۱) ظاهراً در اینجا منظور از جشنِ آذر ماه همان آذرگان یا آذر جشن است که در روز نهم - و نه اول - آذرماه برپا می شده است^(۲) و به نوشته بیرونی ایرانیان در این روز آتش می افروختند و به آتشکده ها می رفتند.^(۳) در هر حال گزارش طومارِ نقالی، هم مربوط به چهارشنبه سوری نیست و هم به احتمال فراوان روایتی متأخر و شفاهی - مردمی است که در هیچ منبع معتبری نیامده.

اساسی ترین ایراد فرضیه ارتباط چهارشنبه سوری با کشته شدن سیاوش (دیدگاه آقای علی محمدی) این است که ایشان سیاوش را شخصیتی تاریخی و واقعی پنداشته و برای کشته شدن او به فرمان افراسیاب، سال و روز دقیق تعیین کرده اند. اعتقاد به

۱) شاهنامه نقالان (طومار مرشد عباس زریری اصفهانی)، ویرایش دکتر جلیل دوستخواه، تهران، ققنوس، ۱۳۹۶، ج ۴، صص ۲۳۸۴ و ۲۳۸۷.

۲) درباره این جشن، ر.ک: رضی، هاشم؛ گاه شماری و جشن های ایران باستان، تهران، بهجت، چاپ سوم، ۱۳۸۴، صص ۶۴۰ و ۶۴۱.

۳) ر.ک: بیرونی، ابوریحان؛ آثار باقیه از مردمان گذشته، ترجمه و تعلیق پرویز سپیتمان (اذکایی)، تهران، نی، ۱۳۹۲، ص ۲۹۶.

تاریخی و واقعی بودن شاهان و پهلوانان دوره‌های پیشدادی و کیانی در شاهنامه، هم در گذشته تاریخی و فرهنگی ایران نمونه‌هایی دارد و هم در دوره معاصر برخی ایران‌شناسان و سپس پژوهندگان ایرانی شماری از شخصیت‌های داستانی شاهنامه را تاریخی انگاشته‌اند^(۱) اما باید توجه داشت که داستانها و اشخاص بخش پیشدادی و کیانی در شاهنامه و سایر مآخذ فارسی و عربی، مربوط به تاریخ ملی / روایی ایران هستند که عموم مردم در سده‌های پیشین آنها را واقعی می‌دانستند ولیکن به لحاظ اسناد و قراین تاریخی این گونه نبوده است. تاریخ ملی / روایی غالباً جنبه داستانی و خیال‌پردازانه دارد و اگر هم از نامها و وقایع تاریخی در آن ذکر شده باشد از باب مشابهت یا در ساختار همان ویژگی روایی است.^(۲)

سیاوش فرزند کاووس نیز از جمله شخصیت‌های حماسی - اساطیری و متعلق به تاریخ ملی / روایی است و نمی‌توان او را مانند کسان تاریخ واقعی (مثلاً: کوروش، داریوش، اردشیر و...) به شمار آورد و در پی تعیین زمان و مکان از آتش گذشتن یا کشته شدن او برآمد. دوباره تکرار و تأکید می‌کنیم که در قرون قبلی که هنوز به یاری تحقیقات باستان‌شناختی و حماسی - اساطیری مفهوم دو تاریخ واقعی و ملی / روایی روشن نشده بود و تفاوت آنها دانسته نمی‌شد نیاکان ما سیاوش را هم مانند انوشیروان و خسرو پرویز شخصیتی واقعی و تاریخی تلقی می‌کردند و حتی در شهر ابرقوه خاکستر آتشی را که او از میان آن گذشته بود نشان می‌دادند^(۳) یا چنان که دیدیم در داستانهای نقلی برای این کار او روز و ماه معین می‌کردند اما امروز دیگر فرق این دو حوزه و کسان و روایات و عناصر مربوط به آنها اثبات شده است. بنابر این در تاریخ واقعی ایران سیاوشی وجود نداشته که ۱۰۱۳ سال پیش از میلاد در روزی که چهارشنبه بوده کشته شده باشد و چنین باورها و محاسباتی هرگز پایه علمی ندارد. طبعاً این استدلال و ابطال درباره نظر پژوهنده‌ای نیز که نوشته‌اند سیاوش در آخرین چهارشنبه سال از آتش گذشت، صادق است.

ماجرای سیاوش و آتش در شاهنامه اینگونه است که چون سودابه بر سیاوش

(۱) برای بحث در این باره و دیدن منابع مربوط، ر.ک: آیدنلو، سجّاد؛ دفتر خسروان (برگزیده شاهنامه)، تهران، سخن، چاپ دوم، ۱۳۹۴، صص ۲۱۷-۲۲۳.

(۲) برای آگاهی کامل درباره تاریخ ملی / روایی ایران و گزارشی از منابع، حوادث، اشخاص و... آن، ر.ک: یارشاطر، احسان؛ «تاریخ ملی ایران»، تاریخ ایران (پژوهش دانشگاه کمبریج)، گردآورنده: احسان یارشاطر، ترجمه حسن انوشه، تهران، امیرکبیر، چاپ چهارم، ۱۳۸۳، ج ۱/۳، صص ۴۷۱-۵۸۷.

(۳) ر.ک: قزوینی، زکریا محمد بن محمود؛ آثار البلاد و اخبار العباد، ترجمه با اضافات از جهانگیر میرزا، به تصحیح و تکمیل میرهاشم محدث، تهران، امیرکبیر، ۱۳۷۳، ص ۱۹۲؛ یاقوت الحموی، ابوعبدالله؛ معجم البلدان، طهران، اسدی، ۱۹۶۵، ج ۱، ص ۸۶.

تَهْمَتِ تَعْرِضِ مِی زَنْد و دروغش آشکار می شود ادّعا می کند که ستاره شناسان از بیم رستم که پرورنده سیاوش است نتوانسته اند حقیقت را بر زبان بیاورند. کاووس که میان همسر و فرزند خود بر سر دو راهی مانده است از موبدان چاره جویی می کند و آنها می گویند که یکی از این دو باید از آتش بگذرد تا درستی یا نادرستی گفته شان آشکار شود:

زهر در سخن چُن بر این گونه گشت بر آتش یکی را باید گذشت
چنین است سوگند چرخ بلند که بر بی گناهان نیارد گزند^(۱)

سودابه پیش دستی می کند و می گوید من برای اثبات سخن خویش دو کودک مرده نشان دادم که از پشت شاه بودند و بر اثر فشار و ضربات درازدستی سیاوش سقط شده بودند پس اکنون باید سیاوش بی گناهی خود را بنمایاند لذا به فرمان کاووس:

نهادند بر دشت هیزم دو کوه جهانی نظاره شده هم گروه
بیامد دو سدمرد آتش فروز دمیدند گفتی شب آمد به روز

(۱ / ۳۲۱ / ۴۷۳ و ۴۸۱)

سیاوش بر آن کوه آتش بتاخت نشد تنگ دل جنگ آتش بساخت
ز هر سو زبانه همی برکشید کسی اسپ و خود سیاوش ندید
یکی دشت با دیدگان پرز خون که تا او از آتش کی آید برون
چُن او را بدیدند برخاست عو که آمد از آتش برون شاه نو
چن از کوه آتش به هامون گذشت خروشیدن آمد ز شهر و زدشت
یکی شادمانی بُد اندر جهان میان کِهان و میان مِهان

(۱ / ۳۲۲ / گزیده بیتهای ۴۹۹-۵۰۸)

در آیینهای بعضی جوامع باستان برای تشخیص گناهکار و بی گناه به هنگام داوری، آزمایشهایی برگزار می شد و هر یک از طرفین دعوا/ دعوی که می توانست این آزمونها را انجام دهد و آسیبی نبیند بی گناه دانسته می شد. این نوع آزمایشها را در ایران کهن «ور» و در اروپا «اردال» (ordeal) می نامیدند و به دو صورت گرم و سرد انجام می گرفت.^(۲) گذشتن سیاوش از آتش از انواع ور گرم است و غیر از ایران در

(۱) فردوسی، ابوالقاسم؛ شاهنامه، پیرایش دکتر جلال خالقی مطلق، تهران، سخن، ۱ / ۳۲۰ / ۴۵۴ و ۴۵۵.

(۲) برای آگاهی کامل درباره «ور» و انواع و نمونه های آن، ر.ک: جوادی، سید جواد؛ آیین اساطیری ور، تهران، سروش، ۱۳۷۷، صفحات گوناگون؛ رضی، هاشم؛ دانشنامه ایران باستان، تهران، سخن، ۱۳۸۱، ج ۴، صص ۲۲۲۹-۲۲۴۷.

روایات ملل دیگر هم نمونه‌هایی دارد. از جمله در رامایانای هندی سیتا مانند سیاوش برای تأیید پاک‌دامنی خود وارد آتش می‌شود و به سلامت بیرون می‌آید.^(۱) در روایتی دیگر از هند مردی برای ردّ اتهام فرومایه‌زادگی - که نابرداریش بر او وارد می‌کند - از آتش می‌گذرد و ریچاردیس همسر چارلز نیز برای رفع بدگمانی شوهر در آتش داخل می‌شود.^(۲) این شواهد به‌خوبی نشان می‌دهد که عبور از آتش از آزمونها/ ورهای گرم و سوزان برای اثبات حقایق و پاکی بوده است و نمی‌توان پریدن از آتش را در شب چهارشنبه‌سوری که معنا و منظور متفاوتی داشته (ر.ک: ادامه مقاله) دنباله این آیین دانست.

اینکه در بعضی نوشته‌های اینترنتی درباره چهارشنبه‌سوری آمده است سیاوش در آخرین سه‌شنبه سال از آتش گذشت و بعد از آن سه روز تا جمعه به این مناسبت جشن گرفتند، هیچ سندی در منابع ندارد و معلوم نیست نویسنده/ نویسندگان و باز نشرکنندگان آن از کجا به روزهای سه‌شنبه و جمعه رسیده‌اند؟ در شاهنامه فقط به شادمانی و بزم سه‌روزه پس از موفقیت سیاوش در آزمون آتش اشاره شده و از روز این رویداد سخنی نرفته است:

سه روز اندر آن سور می‌درکشید نبد بر در گنج بند و کلید

(۱/ ۳۲۳ / ۵۲۰)

مرگ شهادت‌گونه سیاوش در روایات ملی ایران فاجعه‌ای بسیار دردناک و اندوه‌بار است و شماری از ایرانیان در سوگ او مرثی و نوحه‌ها ساخته بودند و می‌خواندند. در تاریخ بخارا می‌خوانیم «و مردمان بخارا را در کشتن سیاوش نوحه‌هاست چنان‌که در همه ولایتها معروف است و موبدان آن را سرود ساخته‌اند و می‌گویند و قوالان آن را گریستن مغان خوانند و این سخن زیادت از سه هزار سال است».^(۳) بنابر قرآینی حتی احتمال داده‌اند که آیینهای سوگ سیاوش تا دوره معاصر در برخی مناطق ایران باقی مانده یا بر شیوه و سنتهای عزاداری آنها تأثیر گذاشته است.^(۴) در مقابل این، چهارشنبه‌سوری از آیینهای جشن و شادی است و هیچ نشانه‌ای از اندوه و ماتم در

۱) ر.ک: رامایانه تألیف وال میکی و تلسی داس و... ترجمه امرسنکهه و امرپرکاش، تهران، الست فردا، ۱۳۷۸، صص ۴۰۹ - ۴۱۱.

۲) برای این دو روایت، ر.ک: تاراپور، ج.ک؛ «دادرسی با «ور» در ایران باستان»، ایران‌شناخت (یادنامه استاد او. جکسن)، گزارش دکتر جلیل دوستخواه، تهران، آگه، ۱۳۸۴، ص ۱۰۵.

۳) نرشخی، ابوبکر محمد؛ تاریخ بخارا، ترجمه ابونصر احمد بن محمد بن نصر قبادی، تلخیص محمد بن زفر بن عمر، تصحیح مدرس رضوی، تهران، توس، چاپ سوم، ۱۳۸۷، ص ۳۲.

۴) در این باره، ر.ک: حصوری، علی؛ سیاوشان، تهران، چشمه، ۱۳۷۸، صص ۱۰۸ - ۱۱۶؛ هدایت، صادق؛ فرهنگ عامیانه مردم ایران، به کوشش جهانگیر هدایت، تهران، چشمه، چاپ ششم، ۱۳۸۵، ص ۲۰۹.

آن دیده نمی‌شود پس چگونه می‌توان آن را با خاطره کشته‌شدن سیاوش پیوند داد و گفت ایرانیان - که سوگ سیاوش در بین آنها پیشینه چند هزار ساله داشته - به مناسبت روز کشته شدن بیدادگرانه او مراسم سور و پای‌کوبی برپا می‌کرده‌اند؟ این تناقض خود گواه دیگری برای نادرستی رابطه چهارشنبه‌سوری با کشته‌شدن سیاوش است. چهارشنبه‌سوری از مراسمی است که حداقل در صد سال اخیر به گستردگی و با آیینهای متنوع در همه شهرهای ایران و حتی سرزمینهای زیر نفوذ فرهنگ ایرانی برگزار شده است / می‌شود^(۱) اما سابقه و سبب برگزاری آن دقیقاً معلوم نیست و از مآخذ مکتوب قدیمی هم مطلب درخوری در این باره به دست نمی‌آید. ظاهراً کهن‌ترین سندی که درباره چهارشنبه‌سوری و آتش‌افروزی در آن داریم گزارش تاریخ بخارا درباره اجرای این رسم در سال (۳۵۰ ه.ق) است که نوشته «... هنوز سال تمام نشده بود که چون شب سوری چنانکه عادت قدیم است آتشی عظیم افروختند پاره آتش بجست و سقف سرای درگرفت».^(۲) حدس زده شده که در اینجا مراد از «شب سوری» همان آیین چهارشنبه‌سوری است و اینکه آتش افروختن در آن را «عادت قدیم» خوانده نشان‌دهنده قدمت این سنت است و شاید بتوان به استناد این اشاره قرن چهارمی پیشینه این کار را به ایران پیش از اسلام رساند. به رغم اشاره بسیار کوتاه و احتمالی تاریخ بخارا، تا جایی که نگارنده بررسی کرده است در منابع ادبی و تاریخی تا دوره صفویه هیچ قرینه، گواهی و اشاره‌ای درباره چهارشنبه‌سوری دیده نمی‌شود و از این نظر این مراسم نوروزی نیز مشابه سیزده بدر است. کهن‌ترین گزارشها و نوشته‌های مربوط به چهارشنبه‌سوری که در ادامه به آنها استناد خواهیم کرد از سالهای ۱۰۲۷ و ۱۰۷۴ ه.ق (روزگار صفویان) و بعد، دوره قاجاری است.

به دلیل نبود اسناد و اشارات روشن قدیمی درباره چهارشنبه‌سوری نظریاتی که درباره علت برگزاری این آیین داده شده حدسهای معاصران است. پژوهشگران کلمه «سوری» را در ترکیب این نام هم از «سور» به معنای «سرخ» گرفته‌اند و هم از «سور» در معنی «جشن» و دو فرضیه درباره مبنا و سبب به وجود آمدن این آیین طرح

(۱) علاقه‌مندان و جویندگان برای آگاهی بیشتر درباره چهارشنبه‌سوری و آیینهای آن می‌توانند به این منابع مراجعه کنند: بلوکباشی، علی؛ «چهارشنبه‌سوری»، دایرةالمعارف بزرگ اسلامی، تهران، مرکز دایرةالمعارف بزرگ اسلامی، ۱۳۹۰، ج ۱۹، صص ۴۴۷-۴۵۳؛ «چهارشنبه سوری»، دانشنامه جهان اسلام، تهران، بنیاد دایرةالمعارف اسلامی، ۱۳۸۷، ج ۱۲، صص ۱۹۳ و ۱۹۴؛ رضی، هاشم؛ گاه‌شماری و جشن‌های ایران باستان، همان، صص ۲۳۰-۲۵۹؛ شاملو، احمد؛ کتاب کوچک، با همکاری آیدا سرکیسیان، تهران، مازیار، ۱۳۹۳، ج ۱۲، صص ۴۵۶-۴۹۸؛ مجتهدپور، یاسمین؛ «چهارشنبه‌سوری»، دانشنامه فرهنگ مردم ایران، تهران، مرکز دایرةالمعارف بزرگ اسلامی، ۱۳۹۴، ج ۳، صص ۴۴۴-۴۵۵. (۲) نرشخی، همان، ص ۳۷.

کرده‌اند. یکی دیدگاه مرحوم ذبیح بهروز است که این سنت را با مسائل گاه‌شماری پیوند داده‌اند و معتقدند در سال (۱۷۲۵م) زرتشت در این شب تاریخ را اصلاح کرد و از آن پس به شادمانی این واقعه هر سال در این شب آتش‌افروزی و «سور» برپا می‌شد.^(۱) این انگاره مبتنی بر قراین و شواهد استواری نیست. طبق احتمال دوم این مراسم در اصل جشن بازگشت سالانه فروهرهای^(۲) نیاکان درگذشته به خانه‌هایشان بوده است. بدین صورت که ایرانیان زرتشتی اعتقاد داشتند فروهرهای اجداد آنها در پنج یا شش روز پایانی سال از جهان دیگر به زمین فرود می‌آیند و برای خانواده‌های خود نیک‌بختی می‌آورند به همین دلیل در این ایام شب‌هنگام بر بام خانه‌هایشان آتش می‌افروختند تا هر یک از فروهرها راه خانه و خانواده خود را بیابد.^(۳)

در تقویم ایرانیان زرتشتی گویا تا اواخر عصر ساسانی اصطلاحات شنبه، یکشنبه، دوشنبه... به کار نمی‌رفت و هر روز ماه نام خاص خود را داشت و فقط ایرانیان غیرزرتشتی به‌ویژه مانویان نامهای هفت روز هفته را استفاده می‌کردند.^(۴) از این روی احتمال داده‌اند برگزاری جشن چهارشنبه‌سوری در شب سه‌شنبه که فردای آن چهارشنبه است مربوط به دوره پس از اسلام و احتمالاً به جهت شومی روز چهارشنبه نزد اعراب بوده است و ایرانیان خواسته‌اند با این تطابق (آوردن مراسم سوری به چهارشنبه) از نحوست این روز در آستانه سال نو مصون بمانند.^(۵) برای شوم‌انگاری چهارشنبه آخر سال دو سند از روزگار صفویه داریم. نخست در احیاءالملوک (تألیف ۱۰۲۷ ه.ق) که ضمن اشاره به برپایی جشن مفصل چهارشنبه‌سوری از نحوست این شب هم یاد کرده و دیگری از سال (۱۰۷۴ ه.ق) که تصریح شده ایرانیان آخرین چهارشنبه هر سال را بسیار بد و نامبارک می‌دانند.^(۶)

(۱) ر.ک: رضی، هاشم؛ گاه‌شماری و جشن‌های ایران باستان، ص ۲۵۹.
 (۲) در باورهای مزدیسنی فروهر یا فرّوشی، روح نگهبان انسان است که پیش از زادن او وجود دارد و پس از مرگ نیز باقی می‌ماند. فروهر، پنجمین نیرو در وجود آدمی و به مثابه خود آسمانی اوست.
 (۳) در این باره، ر.ک: فره‌وشی، بهرام؛ جهان‌فروری، تهران، دانشگاه تهران، چاپ دوم، ۱۳۸۳، ص ۴۳.
 (۴) در این باره، ر.ک: قریب، بدرالزمان؛ «هفته در ایران قدیم (پژوهشی در هفت‌پیکر نظامی و نوشته‌های مانوی)»، نامه فرهنگستان، سال سوم، شماره چهارم (پیاپی ۱۲)، زمستان ۱۳۷۶، صص ۱۹-۳۴.

(۵) ر.ک: بلوکباشی، علی؛ «چهارشنبه‌سوری»، دایرة‌المعارف بزرگ اسلامی، همان، ج ۱۹، ص ۴۴۸؛ پورداوود، ابراهیم؛ «چهارشنبه‌سوری»، آناهیتا، به کوشش مرتضی گرجی، تهران، افراسیاب، ۱۳۸۰، ص ۱۰۰.

(۶) به ترتیب، ر.ک: سیستانی، ملک‌شاه حسین؛ احیاءالملوک، به اهتمام منوچهر ستوده، تهران، علمی و فرهنگی، چاپ سوم، ۱۳۸۹، صص ۲۴۹ و ۲۵۰؛ رضی، هاشم؛ گاه‌شماری و جشن‌های ایران باستان، ص ۲۵۰.

اگر گزارش تاریخ بخارا درباره «شب سوری» سال (۳۵۰ ه.ق) درباره جشن چهارشنبه‌سوری باشد بر اساس آن می‌توانیم بگوییم افروختن آتش از آیینهای دیرپای این شب است که امروز هم اجرا می‌شود اما اشاره به «عظیم» بودن این آتش این حدس را پیش می‌آورد که شاید در ادوار گذشته از روی آتش افروخته این مراسم - به دلیل و قرینه «عظیم» بودنش - نمی‌پریده‌اند و احتمال دارد پریدن از روی آتشیهای کوچک و کم‌شعله از رسوم متأخر این جشن باشد. در حدود بررسی‌های نگارنده یک بار در مجمل رشوند از پریدن از آتش چهارشنبه‌سوری سال ۱۲۷۴ ه.ق (عصر ناصرالدین شاه) یاد شده و یک بار نیز در خاطرات عین السلطنه در یکی از چهارشنبه‌سوری‌های عهد احمد شاه قاجار.^(۱) اگر احتمال تأخر پریدن از آتش نسبت به سابقه چهارشنبه‌سوری و آتش‌افروزی در آن درست باشد شاهد دیگری برای عدم ارتباط این رسم با روایت سیاوش و آتش خواهد بود زیرا داستان از آتش گذشتن سیاوش بسیار قدیمی و مشهور است و اگر در آیینهای چهارشنبه‌سوری تأثیر می‌گذاشت حداقل باید از همان هزار سال پیش می‌بود.

درباره اینکه چرا در شب چهارشنبه‌سوری آتش می‌افروزند و از روی آن می‌پرند نظر قطعی و واحدی نیست و چندین فرضیه و اعتقاد در این باره وجود دارد. در نخبه‌الدهر انصاری دمشقی (۶۵۴ - ۷۲۷ ه.ق) می‌خوانیم «همه ایرانیان در عیدهای خویش شب‌هنگام آتش می‌افروزند و سپیده‌دمان آب می‌پاشند. می‌پندارند آتش‌افروزی عفونتهایی را که زمستان در هوا به جا گذاشته است از بین می‌برد و همچنین مردم را از فرارسیدن نوروز یادآوری می‌کند و از آمدن این عید آگاهی می‌دهد.»^(۲) گرچه این توضیح درباره چهارشنبه‌سوری نیست چون این مراسم هم از جشنها و عیدهای ایرانی است می‌توانیم با احتمال گمان کنیم که شاید در این شب نیز برای زدودن ناپاکی هوا و اعلان آمدن نوروز آتش روشن می‌کردند یا دست‌کم این هم یکی از علل آتش‌افروزی چهارشنبه‌سوری بوده است.

در معتقدات بعضی شیعیان، آتش‌افروزی چهارشنبه‌سوری با واقعه عاشورا و قیام مختار ثقفی ارتباط یافته و رنگ مذهبی گرفته است. به این شکل که گفته‌اند مختار و یارانش که در سال (۶۶ ه.ق) علیه قاتلان امام حسین^(ع) به پا خاستند برای اعلام قیام خویش که در روز چهارشنبه بود، بر بامها آتش افروختند یا به روایت / باوری دیگر

(۱) ر.ک: رشوند، محمدعلی‌خان؛ مجمل رشوند، تصحیح و تحقیق منوچهر ستوده و عنایت‌الله مجیدی، تهران، میراث مکتوب، ۱۳۷۶، ص ۱۷۰؛ عین السلطنه (قهرمان میرزا سالور)؛ روزنامه خاطرات عین السلطنه، به کوشش مسعود سالور و ایرج افشار، تهران، اساطیر، ۱۳۷۴، ج ۷، ص ۵۵۴۹.

(۲) انصاری دمشقی، شمس‌الدین؛ نخبه‌الدهر فی عجایب البرّ و البحر، ترجمه دکتر سید حمید طبیبیان، تهران، اساطیر، ۱۳۸۲، ص ۴۳۴.

مختار برای شناسایی شیعیان فرمان داد آنها شبهای چهارشنبه بر پشت بام خانه‌های خود آتش روشن کنند و رسم آتش افروختن در چهارشنبه سوری از اینجا به وجود آمده است.^(۱) این دو روایت مأخذ تاریخی ندارد و مربوط به حوزه باورهای عامیانه است. یکی دیگر از این گمانهای فاقد سند و منبع این است که در دوره خلافت عباسیان، سالی نوروژ به چهارشنبه می‌افتد و چون ایرانیان در آخرین شب هر سال برای اعلام رسیدن نوروژ بر بامهایشان آتش روشن می‌کردند در آن سال هم سه‌شنبه شب این کار را می‌کنند و از آن پس آیین آتش افروختن در شب واپسین سه‌شنبه سال متداول می‌شود.^(۲)

به دیگر احتمالات و عقاید مربوط به سنت آتش چهارشنبه‌سوری به کوتاهی اشاره می‌کنیم: ۱. فروهرهای آبا و اجداد بتوانند به راهنمایی آن آتش راه خانه خود را پیدا کنند.^(۳) ۲. با قداست خورشید مرتبط است و شاید نوعی جادو برای گرم شدن هوا و زودتر آمدن خورشید بود.^(۴) ۳. اهریمن تاریکی شب و شومی روز چهارشنبه را با پرتوهای آتش می‌رانده‌اند.^(۵) ۴. در بعضی نواحی ایران اعتقاد داشتند پدید آمدن آتش چهارشنبه‌سوری گناهان را می‌زداید.^(۶)

با توجه به اهمیت «آتش» در بین تمدن‌ها و اقوام گوناگون^(۷) می‌توانیم حدس بزنیم که پدید آمدن آتش شب چهارشنبه‌سوری از هر زمان که در ایران رسم شده باشد به نیت و نماد تطهیر و تقدیس و دور ماندن از آفات، شومی‌ها و بیماری‌ها انجام می‌شده است^(۸) و این از عبارت معروف «زردی من از تو سرخی تو از من» هم که هنگام جهیدن از آتش خطاب به آن بر زبان آورده می‌شود برمی‌آید. از همین روی پدید آمدن شعله‌های آتش در این مراسم برخلاف نظر بعضی محققان نه تنها بی‌حرمتی

۱) ر.ک: «چهارشنبه‌سوری»، دانشنامه جهان اسلام، همان، ج ۱۲، ص ۱۹۳؛ هدایت، صادق؛ فرهنگ عامیانه مردم ایران، همان، ص ۱۲۴.

۲) ر.ک: آبادانی، فرهاد؛ «چهارشنبه‌سوری و جشن نزول فروهرها»، مجموعه مقالات چهارمین کنگره تحقیقات ایرانی، به کوشش محمدحسین اسکندری، شیراز، دانشگاه پهلوی، ۱۳۵۳، ج ۲، ص ۶.

۳) ر.ک: فره‌وشی، بهرام؛ جهان‌فروری، همان، ص ۴۳.

۴) ر.ک: بهار، مهرداد؛ «نوروژ: جشن باززایی»، از اسطوره تا تاریخ، تهران، چشمه، چاپ چهارم، ۱۳۸۴، ص ۳۵۵؛ اسماعیل‌پور، ابوالقاسم؛ «چهارشنبه‌سوری: جشن آتش»، چشمه‌های بیدار، تهران، هیرمند، ۱۳۹۶، صص ۲۷ و ۲۸.

۵) ر.ک: بلوکباشی، علی؛ نوروژ جشن نوزایی آفرینش، تهران، دفتر پژوهشهای فرهنگی، چاپ هشتم، ۱۳۹۰، ص ۵۴.

۶) ر.ک: مجتهدپور، یاسمین؛ «چهارشنبه‌سوری»، دانشنامه فرهنگ مردم ایران، ج ۳، ص ۴۴۶.

۷) در این باره برای نمونه، ر.ک: فهد، توفیق و دیگران؛ آتش در خاور نزدیک باستان، ترجمه محمدرضا جوادی، تهران، ماهی، ۱۳۹۰.

۸) همان‌گونه که گذشتن از آب نماد پالودگی و باززایی انگاشته می‌شد.

به آتش نیست بلکه اهمیّت آیینی و باورشناختی آن را نیز نشان می‌دهد. نشانه‌هایی در بعضی متون یافته می‌شود که احتمال مذکور دربارهٔ علت «پریدن از روی آتش» را تأیید می‌کند. برای نمونه در یکی از طومارهای نقالی گرشاسپ، جهان‌پهلوان نامدار ایران و نیای رستم، پیش از ازدواج با دختری «امر کرد دختر را از آب و آتش رد کردند»^(۱) که ظاهراً در اینجا نیز گذراندن دختر از «آتش» و همچنین «آب» برای پالودن او و دفع نحوست است.

افزون بر این در جشنهای نیمهٔ تابستان که در قرون پیشین در اروپا برگزار می‌شد مانند چهارشنبه‌سوری ایرانی برافروختن آتش و پریدن از آن وجود داشت. در این آیینها دلدادگان دست در دست هم از روی آتش می‌پریدند و معتقد بودند هرکس از روی شعله‌ها بجهد در زمان برداشت محصولات کشاورزی کم‌درد نخواهد گرفت و اگر از روی بلندترین شعله‌ها بپرد بر نیروهای اهریمنی چیره می‌شود. آنها حتی رمه‌های گاو و گوسفند را از آتش عبور می‌دادند تا در طول سال از هر بیماری و آسیبی محفوظ بمانند و اگر مرضی دارند شفا بیابند. این کار در میان مسلمانان شمال آفریقا نیز رایج بود و به عقیدهٔ ایشان با پریدن از آتش بیماران درمان می‌شدند، زوجهای نازا بچه‌دار می‌شدند و هرگونه شومی و بیماری از وجود آنها دفع می‌شد.^(۲) این نمونه‌ها نیز موید حدسی است که دربارهٔ سبب پریدن از روی آتش جشن چهارشنبه‌سوری مطرح کردیم.

نتیجهٔ بحث و پاسخ موضوع/عنوان مقاله این است که آیین چهارشنبه‌سوری از هر زمان و به هر دلیل که در ایران رواج یافته باشد قطعاً هیچ رابطه‌ای با سیاوش و داستان آتش‌گذشتن یا کشته‌شدن او ندارد و آنچه در این باره تبلیغ و تکرار می‌شود درست نیست. دیگر و مهمتر اینکه جویندگان و علاقه‌مندان موضوعات فرهنگ و ادب ایران باید مطالب موثق را از منابع اصلی و علمی کسب کنند و از اعتماد و استناد به نوشته‌های اینترنتی و تلگرامی سخت بپرهیزند. آسیب‌شناسی آگاهی‌های منتشرشده دربارهٔ مسائل فرهنگ، تاریخ و ادبیات ایران در فضای مجازی موضوع بسیار مهمی است که در آینده به مصادیق دیگر آن در حوزهٔ فردوسی‌شناسی باز خواهیم پرداخت.

(۱) نثر نقالی شاهنامه، تصحیح دکتر رضا غفوری، شیراز، سیوند، ۱۳۹۴، صص ۱۰۸ و ۱۱۰.
 (۲) ر.ک: فریزر، جیمز جرج؛ شاخهٔ زرین، ترجمهٔ کاظم فیروزمند، تهران، آگاه، چاپ سوم، ۱۳۸۶، صص ۷۳۹، ۷۴۰ و ۷۴۲-۷۴۴.